



شهرزادیمینی‌راد
وکیل پایه یک دادگستری

فوتبال، همان‌گونه که می‌تواند بستری برای رقابت، همبستگی و رشد اجتماعی باشد، در صورت فقدان نظارت و سازوکارهای حمایتی ممکن است به محیطی برای وقوع خشونت و انواع آزار نیز تبدیل شود. خشونت و آزار در فوتبال تنها به درگیری فیزیکی در زمین مسابقه محدود نیست. این رفتارها ممکن است در محیط تمرین، رختکن، سفرهای تیمی، فضای مجازی و حتی در روابط میان مربیان، بازیکنان، مدیران و سایر عوامل فوتبال رخ دهد. بنابراین، مقابله با خشونت و آزار در ورزش نیازمند نگاهی فراتر از برخورد صرفاً انضباطی با یک حادثه است. خشونت و آزار در فوتبال چه اشکالی دارد؟ رفتارهای آسیب‌زا در فوتبال ممکن است اشکال مختلفی داشته باشند، از جمله: * خشونت فیزیکی؛ * تهدید و ارباب؛ * آزار کلامی و تحقیر؛ * قلدری و رفتارهای مستمر تحقیرآمیز؛ * آزار و سوءاستفاده جنسی؛ * سوءاستفاده از موقعیت قدرت؛ * و آزار در فضای مجازی. گاهی یک رفتار به‌صورت آشکار رخ می‌دهد و قابل مشاهده است، اما در بسیاری از موارد، قربانی به دلیل ترس یا وابستگی حرفه‌ای، از بیان آن خودداری می‌کند. رابطه قدرت؛ یکی از مهم‌ترین عوامل خطر در فوتبال، روابط همواره میان افراد هم‌سطح شکل نمی‌گیرد. مربی ممکن است نسبت به بازیکن اختیار داشته باشد، مدیر نسبت به کارمند قدرت تصمیم‌گیری داشته باشد و یک بازیکن جوان نیز ممکن است برای آینده حرفه‌ای خود به تصمیم افراد مختلف وابسته باشد. هرچا میان دو فرد اختلاف جدی در قدرت و اختیار وجود داشته باشد، احتمال سوءاستفاده از موقعیت نیز افزایش پیدا می‌کند. به همین دلیل، در بررسی پرونده‌های آزار نمی‌توان صرفاً به ظاهر رضایت یا سکوت فرد توجه کرد؛ بلکه باید شرایط واقعی رابطه و میزان قدرت طرفین نیز مورد بررسی قرار گیرد.

سکوت قربانی به معنای نبود آزار نیست یکی از مهم‌ترین اشتباهات در رسیدگی به این پرونده‌ها، این تصور است که اگر فرد فوراً شکایت نکرده، پس اتفاق مهمی رخ نداده است.

در واقع، قربانی ممکن است به دلیل: * ترس از دست دادن جایگاه حرفه‌ای؛ * نگرانی از واکنش باشگاه؛ * وابستگی مالی؛ * ترس از افکار عمومی؛ * یا نگرانی از آسیب دیدن آینده ورزشی مدت‌ها سکوت کند. به همین دلیل، تأخیر در گزارش یک واقعه باید در کنار سایر شرایط پرونده ارزیابی شود و نباید به‌تنهایی موجب بی‌اعتباری ادعا تلقی شود.

مسئولیت باشگاه؛ فقط پس از وقوع حادثه نیست باشگاه حرفه‌ای نباید منتظر بماند تا حادثه‌ای رخ دهد و سپس به دنبال مدیریت بحران باشد. یکی از مهم‌ترین وظایف باشگاه، ایجاد محیطی امن برای فعالیت تمام افراد است.

این مسئولیت می‌تواند شامل موارد زیر باشد: * تدوین مقررات رفتاری روشن؛ * آموزش مربیان و کارکنان؛ * شناسایی موقعیت‌های پرخطر؛ * ایجاد سازوکار گزارش‌دهی محرمانه؛ * تعیین مسئول یا واحد مشخص برای رسیدگی؛ * و حمایت از فردی که موضوع را گزارش می‌کند.

پارادایم احتیاط؛ بازخوانی جایگاه اعدام در نظام کیفری ایران با تکیه بر اصول دادرسی عادلانه

دکتر مهدی حاج محمود عطار

مقدمه: اصل «تفسیر مضیق به نفع متهم» در سایه مجازات های سلب حیات

در نظام حقوقی ایران، مجازات اعدام به عنوان یکی از شدیدترین واکنش‌های کیفری، همواره با چالش های نظری و عملی روبه‌رو بوده است. اگرچه قانون‌گذار در برخی موارد این مجازات را مقرر داشته، اما روح حاکم بر قوانین مدرن کیفری ایران (آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲)، نشان از گرایش به سمت محدود سازی دامنه‌ی این مجازات دارد. پرسش اساسی این است: چگونه می‌توان از ظرفیت‌های موجود در مواد ۲۰۳ آیین دادرسی کیفری و ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی؟

۱. ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری

ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری به بازپرس تکلیف می‌کند که پیش از صدور قرار های نهایی، ادله را به دقت ارزیابی کند. فلسفه این ماده، «پیشگیری از تضییع حقوق متهم در فرآیند تحقیقات» است. در پرونده های منجر به اعدام، کوچک ترین شبهه ای در ادله (اعم از اقرار یا شهادت)، مطابق با قاعده فقهی «تدرء الحدود بالشبهات» (حدود با شبهات دفع می شوند)، باید مانع از صدور کیفر خواست منجر به سلب حیات شود. استدلال حقوقی ما این است: اگر تحقیقات طبق ماده ۲۰۳ کامل نباشد، هرگونه تصمیم قضایی مبتنی بر آن، فاقد وجاهت قانونی است. در جرایمی که مجازات آن اعدام است، «تحقیق کامل» دیگر یک وظیفه اداری نیست، بلکه یک «تکلیف وجودی» برای حفظ جان انسان است، رجوع به مواد ۱۲۰ و ۱۲۱ قانون مجازات در این مقوله توصیه می گردد

۲. ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی

ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی و تبصره های آن، به قاضی این اجازه را می‌دهد که در تعیین مجازات های تعزیری، با لحاظ شخصیت متهم، وضعیت بزهکار و علل ارتکاب جرم، در میزان مجازات تعدیل ایجاد کند. اگرچه مجازات های حدی (مانند اعدام در برخی جرایم) ثابت هستند، اما استدلال حقوقی راهبردی ما این است: «دایره شمول این جرایم را باید با تفسیر مضیق محدود کرد». وقتی قاضی بر اساس ماده ۱۸ مجاز است که نوع و میزان تعزیر را تغییر دهد، به طریق اولی در پرونده هایی که ماهیت حدی آنها مورد مناقشه است یا ارکان آن (عنصر معنوی) با تردید مواجه است، باید به سمت مجازات های جایگزین حرکت کند. اصل «تناسب جرم و مجازات» که در بطن ماده ۱۸ نهفته است، به ما می آموزد که عدالت کیفری نباید در خروج را برای مجرمین غیر خطرناک به سمت مجازات شدید ببندد.

قبل از امضای قرارداد خرید ملک یا خودرو؛

۱۰ الزام حقوقی که می‌تواند شما را از یک ضرر سنگین نجات دهد



دکتر محمد میثم منصوری
حقوقدان، پژوهشگر
و مدرس دانشگاه

یک امضا، یک کلید و یک سؤال ساده: «اگر فردا اختلافی پیش آمد، چه چیزی برای اثبات حقم دارم؟»

ساعت حدود هفت عصر بود. مرد جوان با لبخند وارد دفتر شد و کلید خودرو را روی میز گذاشت.

گفت: «بالاخره خریدمش!»

چند هفته دنبال خودرو گشته بود. خودرو را کارشناسی کرده بود، موتور و بدنه را دیده و حتی قیمت چند نمونه مشابه را هم گرفته بود. فروشنده هم آدم موجهی به نظر می‌رسید. قرارداد امضا شد و بخشی از پول همان روز پرداخت شد.

چند روز بعد، هنگام پیگیری انتقال، مسئله‌ای پیش آمد که هیچ‌کس روز معامله درباره آن صحبت نکرده بود.

آن روز فهمید یک واقعیت ساده اما مهم وجود دارد:

خریدن یک مال با سالم بودن آن مال یکی نیست؛ باید مطمئن شد که امکان انتقال قانونی و امن آن نیز وجود دارد.

این داستان فقط درباره خودرو نیست.

در خرید خانه هم ممکن است خریدار عاشق نورگیر بودن ملک، محله یا قیمت مناسب آن شود، اما بعداً متوجه شود ملک در رهن است، توقیف شده، فروشنده اختیار کافی ندارد یا وضعیت ثبتی آن با تصور خریدار متفاوت است.

بسیاری از اختلافات بزرگ، نه بعد از معامله، بلکه دقیقاً در همان چند دقیقه‌ای شکل می‌گیرند که خریدار با عجله قرارداد را امضا می‌کند.

۱. اولین سؤال: فروشنده واقعاً حق فروش دارد؟

اولین سؤال در یک معامله نباید این باشد که «چند می‌فروشی؟» سؤال مهم‌تر این است:

«با چه حقی می‌فروشی؟»

در معامله ملک، احراز مالکیت فروشنده و بررسی وضعیت ثبتی ملک اهمیت اساسی دارد. در معامله خودرو نیز باید هویت مالک، مشخصات خودرو و مدارک مربوط با یکدیگر تطبیق داده شود. اگر فروشنده وکیل است، باید حدود اختیار او بررسی شود. اگر شخصی به نمایندگی از مالک وارد معامله شده، صرف ادعای نمایندگی کافی نیست.

قانون مدنی نیز در مواد ۲۴۷ و بعد از آن، معامله نسبت به مال دیگری بدون داشتن سمت یا اجازه مالک را مورد توجه قرار داده است. بنابراین، خریدار نباید صرفاً به این دلیل که شخصی مال را در اختیار دارد، او را مالک یا صاحب اختیار فروش فرض کند. قاعده ساده است: قبل از اینکه ببینیم چه چیزی می‌خریم، باید بدانیم از چه کسی می‌خریم.

۲. دیدن سند، پایان بررسی نیست

یکی از اشتباهات رایج این است که خریدار سند را می‌بیند و با خیال راحت معامله را ادامه می‌دهد.

اما سند باید بررسی شود، نه فقط دیده شود.

در معامله ملک باید حسب مورد، وضعیت مالکیت، رهن، بازداشت، حدود ملک، مشخصات ثبتی و سایر محدودیت‌های مؤثر بر انتقال بررسی شود.

قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول، تحول مهمی در این زمینه ایجاد کرده است. مطابق ماده ۱ این قانون، پس از تحقق شرایط و مواعد مقرر، اعمال حقوقی مربوط به انتقال مالکیت و برخی حقوق مرتبط با اموال غیرمنقول باید در سامانه ثبت الکترونیک اسناد ثبت شوند و برای معاملات ثبت‌نشده، آثار حقوقی مهمی پیش‌بینی شده است.

همچنین ماده ۲ همین قانون امکان تنظیم و ثبت قراردادهایی مانند قولنامه، مبیعه‌نامه و تعهد به بیع را در دفاتر اسناد رسمی

پیش‌بینی کرده است.

بنابراین، دیگر نمی‌توان با یک جمله ساده گفت:

«قولنامه داریم، پس معامله کاملاً امن است.»

سؤال اصلی این است:

«مسیر قانونی انتقال این ملک چیست و چگونه باید حق خریدار تثبیت شود؟»

۳. بیعانه را ساده نگیرید

«فقط یک مبلغی بده که معامله برایت نگه داشته شود.»

این جمله شاید بی‌خطر به نظر برسد، اما در معامله‌ای که ارزش آن بسیار بالاست، همین مبلغ اولیه می‌تواند شروع یک اختلاف شود.

اگر وجهی به عنوان بیعانه، پیش‌پرداخت یا بخشی از ثمن پرداخت می‌شود، باید مشخص باشد:

- این مبلغ دقیقاً بابت چه چیزی پرداخت شده است؟
- در صورت منتفی شدن معامله چه می‌شود؟
- چه کسی موظف به استرداد وجه است؟
- آیا برای عدم انجام معامله ضمانت اجرا وجود دارد؟
- پرداخت چگونه قابل اثبات است؟

رسید بانکی بسیار مهم است، اما به‌تنهایی همه مسائل حقوقی معامله را حل نمی‌کند.

پول باید همراه با یک تعهد روشن جابه‌جا شود، نه صرفاً همراه با یک وعده شفاهی.

۴. خودرو را فقط کارشناسی فنی نکنید

ممکن است خودرو از نظر موتور و گیربکس کاملاً سالم باشد، اما معامله آن مشکل داشته باشد.

کارشناسی فنی خودرو یک ضرورت است، اما موضوع مالکیت و امکان انتقال موضوع دیگری است.

ماده ۲۹ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، فرآیند نقل‌وانتقال خودرو را به بررسی اصالت و وسیله نقلیه، هویت مالک، پرداخت جرایم و دیون معوق و مراجعه به مراکز مربوط مرتبط کرده است. بنابراین خریدار باید علاوه بر کارشناسی فنی، وضعیت قانونی خودرو را نیز بررسی کند.

خودروی سالم الزاماً به معنای معامله سالم نیست.

۵. وکالت‌نامه را با سند مالکیت اشتباه نگیرید

«فروشنده وکالت‌نامه رسمی دارد.»

این جمله به‌تنهایی کافی نیست.

وکالت یعنی شخصی از جانب دیگری اختیار انجام عمل حقوقی پیدا کرده است؛ بنابراین باید مشخص شود وکالت‌نامه معتبر است و آیا اختیار فروش و انتقال دقیقاً در آن پیش‌بینی شده یا خیر.

مواد ۶۵۶ به بعد قانون مدنی، چارچوب عقد وکالت را مشخص کرده‌اند و مطابق قواعد وکالت، حدود اختیار وکیل باید مورد توجه قرار گیرد.

بنابراین اگر معامله از طریق وکیل انجام می‌شود، باید مشخص باشد:

مالک چه کسی است؟ وکیل چه اختیاری دارد؟ و این اختیار تا کجاست؟

۶. ظاهر خوب ملک، تضمین و وضعیت حقوقی آن نیست

یک خانه می‌تواند زیبا، خوش‌نقشه و حتی بسیار ارزان باشد، اما همچنان برای خرید مناسب نباشد.

پیش از معامله ملک، حسب مورد باید مواردی مانند مالکیت، رهن، بازداشت، کاربری، پایان‌کار، صورت‌مجلس تفکیکی، بدهی‌ها و امکان انتقال رسمی بررسی شود.

خریدار فقط چهار دیوار نمی‌خرد؛

او یک وضعیت حقوقی را نیز خریداری می‌کند.

۷. قرارداد را برای روز اختلاف بنویسید

در روز معامله، معمولاً همه چیز خوب است.

فروشنده خوشحال است که ملک یا خودرو را فروخته و خریدار

خوشحال است که بالاخره خرید خود را انجام داده است.

اما قرارداد حرفه‌ای باید برای روزی نوشته شود که دیگر هیچ‌کدام از طرفین لبخند نمی‌زنند.

ماده ۱۰ قانون مدنی اصل آزادی قراردادهای را در حدود مقرر قانونی پذیرفته است و ماده ۲۱۹ نیز عقود را که مطابق قانون واقع شده‌اند برای طرفین لازم‌الاتباع می‌داند.

پس قرارداد باید دقیق باشد.

مبلغ معامله، نحوه پرداخت، زمان تحویل، زمان انتقال رسمی، تعهدات طرفین، ضمانت اجرای تخلف، وجه التزام، شرایط فسخ و سایر موارد مهم نباید به جملات مبهم و وعده‌های شفاهی سپرده شوند.

قرارداد خوب، قراردادی نیست که فقط روز معامله را زیبا کند؛ قراردادی است که روز اختلاف هم از شما محافظت کند.

۸. چک را جایگزین تضمین واقعی نکنید

در معاملات بزرگ، چک یکی از ابزارهای رایج پرداخت است.

اما اینکه فروشنده چند فقره چک دریافت کرده یا خریدار چند فقره چک داده، به خودی خود به معنای امنیت معامله نیست.

باید مشخص باشد هر چک بابت چه تعهدی است و پرداخت هر بخش از ثمن چه ارتباطی با تعهدات طرف مقابل دارد.

در قرارداد باید میان پرداخت پول و انجام تعهدات رابطه روشنی وجود داشته باشد.

قاعده ساده این است:

پول را بر اساس برنامه قرارداد پرداخت کنید، نه بر اساس وعده‌های شفاهی.

۹. به حرف هیچ‌کس به‌تنهایی اکتفا نکنید

«نگران نباش، این ملک مشکلی ندارد.»

«این خودرو مال خودش است.»

«من سال‌هاست این فروشنده را می‌شناسم.»

«این قرارداد را همه همین‌طور می‌نویسند.»

این جملات ممکن است آرامش‌بخش باشند، اما سند حقوقی محسوب نمی‌شوند.

اعتماد خوب است؛ اما در معامله بزرگ، اعتماد باید با بررسی و مستندات همراه باشد.

به‌خصوص در مواردی مانند املاک ورثه‌ای، معاملات وکالتی، املاک در رهن یا توقیف، خودروهای دارای محدودیت انتقال و معاملات دارای سابقه قراردادی متعدد، بررسی حقوقی اهمیت دوچندان پیدا می‌کند.

۱۰. مهم‌ترین الزام: عجله نکردن

شاید عجیب باشد، اما یکی از بهترین راه‌های جلوگیری از اختلاف، امضا نکردن در شرایط عجله است.

وقتی فروشنده می‌گوید:

«اگر همین الان تصمیم‌گیری، مشتری بعدی هست.»

یا:

«فقط یک امضاست؛ بعداً مدارک را درست می‌کنیم.»

باید مکث کرد.

معامله‌ای که ارزش آن بخش بزرگی از سرمایه شماست، ارزش چند ساعت بررسی بیشتر را دارد.

در معامله، از دست دادن یک فرصت بهتر از خریدن یک مشکل است.

چک‌لیست طلایی خریدار

پیش از خرید ملک:

□ هویت و سمت فروشنده بررسی شود.

□ سند و وضعیت مالکیت بررسی شود.

□ رهن و بازداشت و محدودیت‌های انتقال بررسی شود.

□ مشخصات ملک با مدارک تطبیق داده شود.

□ وضعیت پایان‌کار و صورت‌مجلس تفکیکی، حسب مورد، بررسی شود.

➡ ادامه در صفحه بعد

ادامه در صفحه بعد ➡

- بدهی ها و تعهدات مرتبط مشخص شود.
- امکان انتقال رسمی بررسی شود.
- مبلغ و نحوه پرداخت دقیقاً در قرارداد درج شود.
- ضمانت اجرای تخلف طرفین مشخص شود.
- قرارداد با مقررات جدید ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول تطبیق داده شود.
- پیش از خرید خودرو:
- هویت مالک بررسی شود.
- مدارک و مشخصات خودرو تطبیق داده شود.
- خودرو از نظر فنی و بدنه کارشناسی شود.
- وضعیت جرایم و دیون معوق بررسی شود.
- اصالت خودرو بررسی شود.
- امکان تعویض پلاک و انتقال بررسی شود.
- در صورت وجود وکالتنامه، حدود اختیار وکیل بررسی شود.
- نحوه پرداخت ثمن دقیقاً مشخص شود.
- زمان تحویل و انتقال مشخص شود.
- برای تخلف فروشنده ضمانت اجرای مناسب تعیین شود.

سخن آخر

در خرید ملک و خودرو، بیشتر مردم ابتدا می پرسند: «قیمتش چقدر است؟» خریدار حرفه ای اما سؤال دیگری را زودتر می پرسد: «اگر فردا اختلافی پیش آمد، حق من چگونه اثبات و اجرا می شود؟» تفاوت میان این دو سؤال شاید فقط چند ثانیه باشد، اما گاهی تفاوت میان یک معامله موفق و سال ها رفت و آمد در مراجع قضایی است. ملک خوب، خودروی خوب و قیمت مناسب مهم اند؛ اما هیچ کدام جای امنیت حقوقی معامله را نمی گیرند. قبل از اینکه پولتان را وارد معامله کنید، مطمئن شوید که حق شما نیز وارد قرارداد شده است. چون در معاملات بزرگ، گاهی گران ترین اشتباه، خریدن چیزی نیست که گران باشد؛ خریدن چیزی است که بعداً مجبور شوید برای اثبات مالکیت یا حق خود، دوباره هزینه کنید.

نقش واحد حقوقی در کسب و کارهای آینده از واحد پشتیبان تا شریک استراتژیک

عاطفه انوار فرد : عضو کانون وکلای مرکز

تحولات تنظیم گری را نه صرفاً به عنوان محدودیت، بلکه به عنوان یکی از متغیرهای مؤثر بر استراتژی کسب و کار در نظر بگیرد. در همین نقطه، مفهوم «طراحی مبتنی بر الزامات رگولاتوری» یا Regulatory by Design اهمیت پیدا می کند؛ یعنی الزامات حقوقی و رگولاتوری از ابتدای طراحی محصول، خدمت و مدل کسب و کار مورد توجه قرار گیرند، نه اینکه پس از شکل گیری پروژه، به عنوان لایه ای اضافی و بوروکراتیک به آن افزوده شوند.

در چنین مدلی، رگولاتوری صرفاً موضوعی برای واحد حقوقی نیست؛ بلکه بخشی از معماری تصمیم گیری سازمان است. کسب و کار بدون ریسک معنا ندارد و وظیفه واحد حقوقی نیز حذف کامل ریسک نیست؛ بلکه شناخت، ارزیابی و مدیریت آگاهانه آن است. از همین رو، پاسخ حرفه ای واحد حقوقی لزوماً صدور حکم توقف یا تعلیق امور نیست. گاهی ارزشمندترین پاسخ این است: «این مسیر با ساختار فعلی پرریسک است؛ اما با اصلاح قرارداد، بازطراحی ساختار معامله یا ایجاد کنترل های مناسب، می توان به هدف تجاری رسید.» این تغییر نگاه، مرز میان یک واحد حقوقی صرفاً پشتیبان و یک کارکرد حقوقی استراتژیک را مشخص می کند. واحد حقوقی در این مدل، صرفاً بازدارنده ای نیست که مسیرهای ممنوع را مشخص کند؛ بلکه شریکی است که در کنار کسب و کار، مسیرهای قابل اجرا را شناسایی و طراحی می کند. سخن پایانی آینده واحد های حقوقی در افزایش تعداد وکلا، انباشت قراردادهای طولانی تر شدن فرایندهای تأیید، خلاصه نمی شود. ساختار حقوقی زمانی برای کسب و کارها ارزش آفرین خواهد بود که بتواند قانون را به زبان کسب و کار، ریسک را به زبان تصمیم گیری و رگولاتوری را به زبان استراتژی ترجمه کند. وکیل کسب و کارهای آینده صرفاً حافظ سازمان در برابر ریسک های حقوقی نخواهد بود؛ بلکه در طراحی تصمیم، ساختاردهی معاملات، پیش بینی تحولات رگولاتوری و یافتن مسیرهای قابل اجرا برای تحقق اهداف تجاری نقش خواهد داشت. در نهایت، تحول واقعی واحد حقوقی زمانی رخ می دهد که جایگاه آن از «واحد پشتیبان» به «شریک استراتژیک» تغییر کند؛ شریکی که نه در پایان فرایند، بلکه از ابتدای شکل گیری تصمیم های مهم سازمان در کنار کسب و کار حضور دارد. وقت آن رسیده است که واحد حقوقی از یک کارکرد واکنشی، به یکی از ارکان اصلی معماری تصمیم سازی در سازمان های آینده تبدیل شود.

در بسیاری از شرکت ها، واحد حقوقی زمانی وارد فرایند تصمیم گیری می شود که بخش مهمی از مسیر طی شده است؛ محصول طراحی شده، مدل کسب و کار شکل گرفته و مذاکرات انجام شده اند. در این مرحله، معمولاً از واحد حقوقی خواسته می شود قرارداد را بررسی کند، ریسک های حقوقی را اعلام کند یا برای موانع قانونی احتمالی راه حل ارائه دهد. این رویکرد سنتی، ساختار حقوقی را به واحدی واکنشی و تدافعی تبدیل می کند؛ واحدی که عمدتاً وظیفه دارد بگوید «چه چیزی ممکن نیست»، نه اینکه از ابتدا در طراحی مسیر اجرای درست و کم ریسک تصمیمات تجاری نقش داشته باشد. در دنیایی که فناوری، داده، هوش مصنوعی و تحولات شتابان رگولاتوری قواعد بازی را تغییر داده اند، کسب و کارها به مدل متفاوتی از خدمات حقوقی نیاز دارند. ارزش واقعی واحد حقوقی زمانی خلق می شود که از حاشیه به متن تصمیم گیری سازمان بیاید و به یک کارکرد حقوقی تجاری و رگولاتوری تبدیل شود؛ کارکردی در نقطه اتصال حقوق، تجارت و تنظیم گری. نگاه حقوقی تجاری وکیل کسب و کار آینده نمی تواند تنها به متون قانونی و بینش کلاسیک حقوقی اکتفا کند. او باید بازار، رفتار مشتری، رقبا، فناوری و منطق اقتصادی کسب و کار را نیز درک کند و در کنار مدیران کسب و کار، تصویری روشن از اهداف و محدودیت های تجاری سازمان داشته باشد. در این نگاه، قرارداد دیگر صرفاً یک سند حقوقی بازدارنده نیست؛ بلکه ابزاری برای مدیریت رابطه تجاری، تخصیص ریسک و خلق ارزش است.

در نتیجه، پرسش کلیدی وکیل تجاری نیز تغییر می کند. پرسش دیگر صرفاً این نیست که: «آیا این قرارداد از نظر حقوقی قابل قبول است؟» بلکه پرسش مهم تر این است: «این قرارداد چگونه از اهداف تجاری سازمان حمایت می کند؟ چه ریسک هایی ایجاد می کند و چگونه می توان این ریسک ها را مدیریت کرد؟» این همان چیزی است که می توان آن را «نگاه حقوقی تجاری» نامید؛ نگاهی که در آن، واحد حقوقی در برابر کسب و کار قرار نمی گیرد، بلکه در کنار آن برای یافتن راه حل قرار می گیرد. رگولاتوری؛ از واکنش تا استراتژی در محیط های مدرن کسب و کار، تصمیم یک نهاد تنظیم گر، تغییر یک مقررّه یا حتی ایجاد یک الزام جدید می تواند مستقیماً بر محصول، بازار، مدل درآمدی یا امکان ورود یک کسب و کار به بازار اثر بگذارد. از این منظر، حرکت از «واکنش به الزامات رگولاتوری» به «راهبرد رگولاتوری» به این معناست که سازمان، الزامات و

شیوه های مهاجرت

از منظر حقوق بین الملل مهاجرت



مهتاب تاجیک

رئیس کمیته حقوق مهاجرت سازمان اینسکو

بر اساس حقوق بین الملل، شیوه های مهاجرت را می توان بر اساس دو معیار اصلی دسته بندی کرد: ارادی یا اجباری بودن مهاجرت و قانونی یا غیرقانونی بودن آن. این چارچوب مفهومی، پایه و اساس تحلیل حقوقی این پدیده را شکل می دهد. دسته بندی بنیادین: ارادی در برابر اجباری این مهم ترین و رایج ترین تقسیم بندی در حقوق بین الملل است که بر اساس علت و عاملیت فرد در تصمیم به مهاجرت تعریف می شود.

مهاجرت اختیاری (Voluntary Migration): این نوع مهاجرت نتیجه انتخاب و تصمیم فردی برای بهبود وضعیت زندگی، یافتن کار، تحصیل یا پیوستن به خانواده است. پناهندگان اقتصادی و نیروی کار ماهر در این دسته قرار می گیرند. از منظر حقوقی، کشورها حاکمیت کامل برای پذیرش یا عدم پذیرش این دسته از مهاجران را دارند و هیچ حق ذاتی برای ورود به خاک کشور دیگر برای این افراد وجود ندارد مگر اینکه از طریق قوانین داخلی کشور مقصد، مجوز دریافت کنند.

مهاجرت اجباری (Forced Migration): این نوع مهاجرت در نتیجه عواملی خارج از اراده فرد مانند جنگ، آزار و اذیت، بلایای طبیعی یا نقض فاحش حقوق بشر رخ می دهد. پناهندگان و آوارگان مصادیق بارز آن هستند. حقوق بین الملل برای این گروه حمایت های ویژه ای در نظر گرفته است که مهم ترین آن، اصل عدم بازگشت اجباری (non-refoulement) است. این اصل که در کنوانسیون ۱۹۵۱ مربوط به وضعیت پناهندگان مقرر شده، دولت ها را از بازگرداندن پناهندگان به سرزمینی که در آن جان یا آزادی شان تهدید می شود، منع می کند.

به طور خاص، پناهنده به کسی گفته می شود که به دلیل ترس موجه از آزار بر اساس نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در یک گروه اجتماعی خاص یا عقیده سیاسی، در خارج از کشور خود به سر می برد و نمی تواند یا نمی خواهد از حمایت آن کشور برخوردار شود. دسته بندی ثانویه: قانونی (منظم) در برابر غیرقانونی (نامنظم) این دسته بندی بر اساس انطباق با قوانین کشور مقصد در طول فرآیند ورود و اقامت تعریف می شود.

مهاجرت قانونی (Regular/Legal Migration): به مهاجرتی گفته می شود که با اخذ مجوزهای لازم از کشور مقصد (مانند ویزا، اقامت دائم یا موقت) صورت می گیرد. شیوه های آن بسیار متنوع است و شامل موارد زیر می شود: مهاجرت سرمایه گذاری: اخذ اقامت از طریق سرمایه گذاری مالی در کشور مقصد. مهاجرت نیروی کار ماهر: شامل مهاجرت متخصصان، کارگران ماهر و کارآفرینان که معمولاً بر اساس سیستم های امتیازبندی (مانند سیستم اکسپرس انتری کانادا) پذیرفته می شوند. مهاجرت از طریق تحصیل: اخذ ویزای دانشجویی برای ادامه تحصیل در دانشگاه های خارجی. مهاجرت خانوادگی: پیوستن به اعضای خانواده که در کشور مقصد اقامت قانونی دارند. مهاجرت موقت: شامل کارگران فصلی، خدمتکاران خانگی و نیروی کار قراردادی با مدت مشخص.

مهاجرت غیرقانونی (Irregular/Undocumented Migration):

این نوع مهاجرت شامل ورود، اقامت یا کار در کشوری بدون مجوزهای قانونی است. این شیوه معمولاً با خطرات جدی برای مهاجران، از جمله نقض حقوق بشر، استثمار و عدم دسترسی به حمایت های قانونی همراه است. نکته کلیدی این است که اگرچه ورود و اقامت افراد در این وضعیت غیرقانونی است، اما حقوق بنیادین بشری آنان (مانند حق حیات، منع شکنجه و تبعیض) کماکان باید توسط دولت ها رعایت شود و این حقوق از وضعیت مهاجرتی آن ها جدا است. چالش های نوین در حقوق بین الملل مهاجرت در سال های اخیر، حقوق بین الملل مهاجرت با پدیده های جدیدی مواجه شده است که مرزهای این دسته بندی ها را پیچیده تر کرده اند. یکی از این پدیده ها، برون سپاری مدیریت مهاجرت (Externalisation) است که به مجموعه اقداماتی گفته می شود که کشورهای مقصد برای جابجایی مسئولیت مدیریت مهاجرت به کشورهای ثالث انجام می دهند. این اقدامات که شامل جلوگیری از ورود پناهجویان به مرزها، واگذاری فرآیندهای پناهندگی به کشورهای دیگر، و بازگرداندن مهاجران به کشورهای غیر از کشور مبدأ است، نگرانی های جدی در مورد نقض اصول بنیادین حقوق بشر مانند اصل عدم بازگشت اجباری ایجاد کرده است. جمع بندی نهایی در یک نگاه کلی، چارچوب حقوق بین الملل مهاجرت بر دو رکن اساسی استوار است: اول، حاکمیت دولت ها در کنترل مرزها و تعیین قوانین ورود و اقامت، و دوم، تعهدات حقوق بشری دولت ها در قبال همه افراد، صرف نظر از وضعیت مهاجرتی آن ها. در حالی که مهاجرت اختیاری عمدتاً در حوزه حاکمیت ملی دولت ها تعریف می شود، مهاجرت اجباری (به ویژه وضعیت پناهندگی) به دلیل وجود تعهدات بین المللی مشخص، از حمایت های حقوقی ویژه ای برخوردار است.

پارادایم احتیاط؛

بازخوانی جایگاه اعدام در نظام کیفری ایران

با تکیه بر اصول دادرسی عادلانه

دکتر مهدی حاج محمودعطار:

دکترای تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی

مدرس دانشگاه و مشاور حقوقی



مقدمه: اصل «تفسیر مضیق به نفع متهم» در سایه مجازات‌های سلب حیات

در نظام حقوقی ایران، مجازات اعدام به عنوان یکی از شدیدترین واکنش‌های کیفری، همواره با چالش‌های نظری و عملی روبه‌رو بوده است. اگرچه قانون‌گذار در برخی موارد این مجازات را مقرر داشته، اما روح حاکم بر قوانین مدرن کیفری ایران (آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲)، نشان از گرایش به سمت محدود سازی دامنه‌ی این مجازات دارد. پرسش اساسی این است: چگونه می‌توان از ظرفیت‌های موجود در مواد ۲۰۳ آیین دادرسی کیفری و ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی؟

۱. ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری

ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری به بازپرس تکلیف می‌کند که پیش از صدور قرارهای نهایی، ادله را به دقت ارزیابی کند. فلسفه این ماده، «پیشگیری از تضییع حقوق متهم در فرآیند تحقیقات» است. در پرونده‌های منجر به اعدام، کوچک‌ترین شبهه‌ای در ادله (اعم از اقرار یا شهادت)، مطابق با قاعده فقهی «تدرء الحدود بالشبهات» (حدود با شبهات دفع می‌شوند)، باید مانع از صدور کیفر خواست منجر به سلب حیات شود. استدلال حقوقی ما این است: اگر تحقیقات طبق ماده ۲۰۳ کامل نباشد، هرگونه تصمیم قضایی مبتنی بر آن، فاقد وجاهت قانونی است. در جرایمی که مجازات آن اعدام است، «تحقیق کامل» دیگر یک وظیفه اداری نیست، بلکه یک «تکلیف وجودی» برای حفظ جان انسان است، رجوع به مواد ۱۲۰ و ۱۲۱ قانون مجازات در این مقوله توصیه می‌گردد.

۲. ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی

ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی و تبصره‌های آن، به قاضی این اجازه را می‌دهد که در تعیین مجازات‌های تعزیری، با لحاظ شخصیت متهم، وضعیت بزهکار و علل ارتکاب جرم، در میزان مجازات تعدیل ایجاد کند. اگرچه مجازات‌های حدی (مانند اعدام در برخی جرایم) ثابت هستند، اما استدلال حقوقی راهبردی ما این است: «دایره شمول این جرایم را باید با تفسیر مضیق محدود کرد.»

وقتی قاضی بر اساس ماده ۱۸ مجاز است که نوع و میزان تعزیر را تغییر دهد، به طریق اولی در پرونده‌هایی که ماهیت حدی آنها مورد مناقشه است یا ارکان آن (عنصر معنوی) با تردید مواجه است، باید به سمت مجازات‌های جایگزین حرکت کند. اصل «تناسب جرم و مجازات» که در بطن ماده ۱۸ نهفته است، به ما می‌آموزد که عدالت کیفری نباید در خروج برای مجرمین غیر خطرناک به سمت مجازات شدید بیندد.

۳. استراتژی دفاعی

وکلائی مدافع باید از این دو ماده به عنوان ابزار «فیلترگذاری قضایی» استفاده کنند:

■ تکیه بر تحقیقات ناکافی: با استناد به ماده ۲۰۳، هرگونه نقص در گزارش ضابطین یا تناقض در شهادت‌ها باید به عنوان «شبهه» تلقی شده و پرونده را از صلاحیت

صدور مجازات شدید خارج کند.

■ اثبات فقدان ضرورت اجتماعی: با استناد به روح ماده ۱۸، باید به قاضی گوشزد نمود که مجازات شدید زمانی توجیه دارد که امنیت جامعه در معرض خطر قطعی باشد. اگر متهم دارای شرایطی است که با مجازات حبس و اصلاح، باز اجتماعی می‌شود، از این گونه مجازات‌ها باید بهره برد.

نتیجه‌گیری

صدور حکم شدید نباید اولین پاسخ دادگاه به یک جرم باشد، بلکه باید آخرین پناهگاه قانونی در مواجهه با خطرناک‌ترین بزهکاران باشد. مواد ۲۰۳ آیین دادرسی کیفری و ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی، ابزارهایی در دست قضات خردمند هستند تا با «تفسیر سخت‌گیرانه از ادله» و «تفسیر انسان‌دوستانه از مجازات»، فضای صدور احکام را به حداقل برسانند. در نهایت، بهره‌گیری از قوانین و تفسیر به نفع متهم در برخی مواقع دقیق‌ترین اجرای قانون در راستای پاسداشت کرامت انسانی است.

تمرکز اصلی ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری بر «شناخت شخصیت و پیشینه بزهکار» است تا قاضی نه تنها با یک «جرم»، بلکه با یک «انسان» رو به رو شود. این یعنی انتقال از «عدالت انتزاعی» (که فقط به فعل جرم نگاه می‌کند) به «عدالت انسانی» (که به عامل جرم نیز می‌نگرد).

خشونت و آزار در فوتبال؛

مسئولیت باشگاه‌ها

و سازوکارهای

حمایت از قربانیان

شهرزادیمینی‌راد

وکیل پایه یک دادگستری



ادامه از صفحه اول:

بنابراین، پیشگیری باید بخش اصلی سیاست باشگاه باشد، نه اقدامی که تنها پس از وقوع بحران مورد توجه قرار می‌گیرد. سازوکار گزارش‌دهی باید امن باشد وجود یک شماره تماس یا صندوق دریافت شکایت، به تنهایی یک نظام حمایتی مؤثر ایجاد نمی‌کند. فرد باید اطمینان داشته باشد که: * گزارش او محرمانه بررسی می‌شود؛ * به دلیل شکایت مورد انتقام یا فشار قرار نمی‌گیرد؛ * فرآیند رسیدگی مشخص است؛ * و ادعای او به‌صورت جدی و بی‌طرفانه بررسی خواهد شد.

اگر گزارش دادن برای قربانی خطرناک‌تر از سکوت باشد، سازوکار گزارش‌دهی عملاً کارکرد خود را از دست می‌دهد. حمایت از قربانی و رعایت حقوق دفاعی رسیدگی به پرونده‌های خشونت و آزار باید میان دو ضرورت مهم تعادل برقرار کند: حمایت از قربانی و رعایت حقوق دفاعی فرد متهم.

حمایت از قربانی نباید به معنای حذف رسیدگی منصفانه باشد و رعایت حقوق دفاعی نیز نباید به ابزاری برای فشار یا بی‌اعتبار کردن قربانی تبدیل شود. یک فرآیند حرفه‌ای باید: * موضوع را بی‌طرفانه بررسی کند؛ * ادله طرفین را دریافت کند؛ * محرمانگی را تا حد امکان حفظ کند؛ * و از هرگونه فشار بر طرفین جلوگیری کند. نقش ویژه باشگاه در حمایت از کودکان در مورد بازیکنان نوجوان، مسئولیت باشگاه سنگین‌تر است.

کودک یا نوجوان ممکن است: * توانایی کمتری برای تشخیص رفتار آسیب‌زا داشته باشد؛ * از بیان موضوع بترسد؛ * یا به دلیل وابستگی به مربی و باشگاه، سکوت کند. به همین دلیل، محیط‌های ورزشی که با کودکان فعالیت می‌کنند باید دارای سیاست‌های مشخص حمایت

از کودک و سازوکارهای ویژه پیشگیری باشند. خشونت در فضای مجازی امروز محیط فوتبال به زمین مسابقه محدود نیست. بازیکنان، به ویژه ورزشکاران جوان، ممکن است هدف: * تهدید؛ * توهین؛ * انتشار اطلاعات شخصی؛ * تحقیر سازمان‌یافته؛ * و آزار اینترنتی قرار گیرند. بنابراین، سیاست‌های حمایت از ورزشکار باید فضای دیجیتال را نیز در بر بگیرد. باشگاه نمی‌تواند تمام مسئولیت رفتار اشخاص ثالث در اینترنت را بر عهده بگیرد، اما می‌تواند برای حمایت از بازیکنان، آموزش، راهنمایی و سازوکارهای واکنش مناسب ایجاد کند.

نقش وکیل در پرونده‌های آزار ورزشی پرونده‌های مربوط به خشونت و آزار معمولاً تنها یک مسیر حقوقی ندارند. بسته به ماهیت رفتار، ممکن است موضوع دارای ابعاد: * کیفری؛ * مدنی؛ * انضباطی؛ * قراردادی؛ * و اداری باشد. بنابراین، وکیل باید از ابتدا مسیرهای مختلف را تفکیک کند و مشخص سازد که هر ادعا در چه مرجعی و با چه ادله‌ای باید مطرح شود. همچنین، حفظ محرمانگی و حمایت از موکل در این نوع پرونده‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد.